

روش‌شناسی اقتصاد خرد جدید:
مبانی انتقادی

لارنس بولاند

www.ketab.ir

ترجمه

علی اصغر قائمی‌نیا



سرشناسه: بولاند، لارنس ا.

عنوان و نام پدیدآور: روش‌شناسی اقتصاد خرد جدید / لارنس بولاند؛ ترجمه علی اصغر قائمی‌نیا.

مشخصات نشر: تهران، لوگوس، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۲۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۸۹-۷

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی:

Methodology for a new microeconomics: the critical foundations

موضوع: اقتصاد خرد

شناسه افزوده: قائمی‌نیا، علی اصغر، ۱۳۶۶ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: HB۱۷۲

رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۵

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۶۵۳۵۴۴

روش‌شناسی اقتصاد خرد جدید: مبانی انتقادی

لارنس بولاند، ترجمه علی اصغر قائمی‌نیا

طراح جلد: سجاد خزایی

ویراستار: ع. رهمنها

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۸۹-۷

چاپ اول: ۱۴۰۰



برای مشاهده اطلاعات بیشتر کد فوق را اسکن کنید و به وبسایت نشر لوگوس بروید.

قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید آن به طور کلی یا جزئی، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازه مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

موبایل مرکز پخش: ۰۹۰۲۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه آنلاین لوگوس

www.irlogos.com

فهرست

۱.....	مقدمه دکتر عادل پیغامی
۷.....	دیباچه
۱۱.....	مقدمه: مبانی ایستای مقایسه‌ای
۱۲.....	۱.۰ تعادل و توضیح
۱۶.....	۲.۰ تعادل ناشی از دینامیک نامتوازن
۱۲.....	۳.۰ دستورالعمل پنهان روش شناسی ایستای مقایسه‌ای
۲۴.....	۴.۰ طرح کلی کتاب
۲۷.....	بخش اول: اقتصاد صرفه‌های غیربهرینه
۲۹.....	۱. حالت تعادل به مثابه بهرینگی
۳۳.....	۱.۱ فردگرایی روش شناختی و روش شناسی تعادل
۳۵.....	۲.۱ تعادل عمومی و روان شناسی
۳۹.....	۳.۱ تعادل به مثابه مطلوبیت ضروری
۴۱.....	۴.۱ عدم تعادل به منزله یک امر غیربهرینه
۴۷.....	۲. بهینه‌سازی در برابر تعادل
۴۹.....	۱.۲ غیربهرینگی به مثابه تعادل: اثرات جانبی در مقابل شکست بازار
۵۲.....	۲.۲ غیربهرینگی به مثابه شکست بازار
۵۴.....	۳.۲ عدم تعادل به مثابه امر بهینه
۵۵.....	۴.۲ عدم تعادل به مثابه اطلاعات مربوط به بهینه‌سازی
۶۰.....	۵.۲ هزینه‌های روش شناختی / مزایای قیمت‌های تعادل دامن‌نی
۶۳.....	بخش دوم: مبانی روش شناسی تعادل
۶۵.....	۳. فردگرایی و حساب دیفرانسیل
۶۶.....	۱.۳ تعادل عمومی بلندمدت و فردگرایی
۷۱.....	۲.۳ انواع فردگرایی در نظریه اقتصادی
۷۴.....	۳.۳ تعادل بلندمدت به مثابه یک تعادل کوتاه‌مدت ویژه
۸۳.....	۴. روش‌های توضیح وضعیت عدم تعادل
۸۴.....	۱.۴ انتقاد از توضیحات تعادل جزئی
۸۸.....	۲.۴ عدم تعادل در مقابل فردگرایی
۹۷.....	۵. دلایل در مقابل تخمین‌های اقتصاد تحلیلی
۹۸.....	۱.۵ مشکل انتگرال در مقابل دیفرانسیل
۱۰۲.....	۲.۵ همبستگی نظریه مجموعه‌ها و تجزیه و تحلیل محاسبات
۱۰۴.....	۳.۵ پیوستگی در مقابل اتصال مطرح در نظریه انتخاب
۱۰۷.....	۴.۵ پیوستگی، تحدب، منحصر به فرد بودن و نظریه انتخاب
۱۱۳.....	۵.۵ بیکرانی و استقرا در اقتصاد تحلیلی
۱۱۹.....	۶.۵ دلایل و گمان

۱۲۱.....	بخش سوم: محدودیت‌های روش‌شناسی تعادلی.....
۱۲۳.....	۶. تعادل و استاتیک غایت‌شناختی.....
۱۲۵.....	۱.۶ متغیرهای بیرونی و روش‌ایستای مقایسه‌ای غایت‌شناختی.....
۷۲۱.....	۲.۶ تعادل تصادفی‌هایک.....
۱۲۹.....	۳.۶ محاسبه تغییرات، برنامه‌ریزی بویا، نظریه کنترل و غیره.....
۱۳۲.....	۴.۶ راه‌حل‌های مکانیکی در مقابل آموزش.....
۱۳۵.....	۷. تعادل در برابر فرایندهای تعادلی.....
۱۳۶.....	۱.۷ تعادل و نظریات دانش.....
۱۳۹.....	۲.۷ تعادل و نظریه‌های جهل.....
۱۴۳.....	۳.۷ واکنش به آگاهی عدم تعادل.....
۱۵۱.....	۴. یادگیری در مقابل دانستن قیمت تعادلی.....
۱۵۳.....	۸. علیه اقتصاد کلان به مثابه اقتصاد خرد ناامیدکننده.....
۱۵۴.....	۱.۸ اقتصاد کلان و انتظارات عقلانی.....
۱۵۹.....	۲.۸ تصادف‌انگاری و اقتصاد کلان.....
۱۶۴.....	۳.۸ اتفاق‌گرایی به مثابه ابزارگرایی.....
۱۶۷.....	بخش چهارم: راه‌هایی به سوی اقتصاد خرد جدید عدم تعادل.....
۱۶۹.....	۹. نظریه‌پردازی ویژه درباره بویایی قیمت: شیب لغزنده.....
۱۷۰.....	۱.۹ مشکل تحلیلی تبدیل قیمت.....
۱۷۱.....	۲.۹ بستر ویژه‌ای از مدل تعادل تحلیلی.....
۱۷۴.....	۳.۹ نزدیک شدن به بستر از طریق نظریه‌هایی که مبنا ندارند.....
۱۷۶.....	۴.۹ همگرایی بیرونی با یادگیری اجباری.....
۱۷۹.....	۵.۹ همگرایی درون‌زا با یادگیری مستقل.....
۱۸۱.....	۱۰. نظریه‌پردازی ویژه درباره بازارهای تسویه‌نشده: مسیر ناهموار.....
۱۸۲.....	۱.۱۰ عدم تعادل غیرعمدی برون‌زا.....
۱۸۴.....	۲.۱۰ عدم تعادل عمدی: نقدینگی عمومی کینز-هیکس.....
۱۹۳.....	۳.۱۰ فردگرایی روش‌شناختی در برابر عدم تعادل عمدی.....
۱۹۵.....	۱۱. فرایند تعادل و یادگیری: خانه‌های تاریک.....
۱۹۷.....	۱.۱۱ یادگیری و فردگرایی.....
۲۰۱.....	۲.۱۱ یادگیری بدون روان‌شناختی‌نگری یا استقراگرایی.....
۲۰۳.....	۳.۱۱ یادگیری فعال و پایداری تعادل.....
۲۰۷.....	۴.۱۱ پایه‌های کلان اقتصاد کلان.....
۲۰۸.....	۵. انتظارات و دانش حدسی.....
۲۰۹.....	۶. به سوی فردگرایی روش‌شناختی تعمیم‌یافته.....
۲۱۳.....	کتابنامه.....

مقدمه دکتر عادل پیغامی

لاورنس بلاند به گردن دانشجویان چند دهه اخیر اقتصاد، چه در دنیا و چه در ایران، حق ملحوظی دارد و لذا غالب علاقه‌مندان به فلسفه اقتصاد از آموخته‌های او خاطره‌ای خوش دارند. این علاقه البته دوسویه است؛ کم‌اینکه وی در صفحه سوم این کتاب، آن را به دانشجویان اهل سؤال و مناقشه و نقد تقدیم کرده است. سال‌هاست که برای همه اقتصادخوانان علاقه‌مند به بحث‌های فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد، بولاند پوزیتیویستی است که چشم‌های خود را بر مبادی پوزیتیویسم و واقعیت‌های میدانی آن در عرصه نظریه‌پردازی و عمل نبسته است، و به همین دلیل بهترین قطعات ما را در باب پوزیتیویسم از او دریافت کرده‌اند. اما برای من و خیلی از دانشجویان اندیشه‌ورز اقتصاد، نام لاورنس بولاند همراه با نام‌هایی چون جون رابینسون، مک‌کلپ، هاوسن، مک‌کلاوسکی، اوزکالی ماکی و... فراتر از یک پژوهشگر و مؤلف خارجی، بخشی از خاطرات شیرین حقیقت‌جویی و علم‌آموزی ما هستند. من و هم‌قطاران من در ایران، طی چند دهه اخیر، در فضایی دوران دانشجویی و حرفه‌ای اقتصادی خود را طی کردیم که هیچ درس روش‌شناسی‌ای در واحدهای درسی تعبیه نشده بود. به سؤالات و مراجعات و مطالعات فلسفی و مذاقه‌های روش‌شناختی اقتصاد هم - جز معدودی از استادان - روی خوش نشان داده نمی‌شد. در چنین فضایی وقتی به اشارت و هدایت استاد فرزانه‌ام مرحوم نورعلی نوری، در اولین صفحه کتاب بولاند با عنوان اصول علم اقتصاد، دروغ‌هایی که معلم به من گفت!^۱ در همان سال انتشارش خواندم که «ما اقتصاددانیم، لطفاً حرف از روش‌شناسی به میان نکشید»^۲ شیرینی درک

1. The Principles of Economics: Some Lies my Teachers Told Me (1992), London: Routledge

2. We are economists, No methodology please!

استادان و معلمان پیرامون خودم فراموش نشدنی است. شیرین‌تر زمانی بود که در ادامه همان جمله، بولاند به کنایه و تعریض ماهیت این قبیل استادان و این شیوه آموزش علم اقتصاد در ایران را به من گوشزد کرد و نوشت: «اینان در واقع می‌گویند ما اقتصاددانیم لطفاً بحث از واقعیت را به میان نکشید!»^۱ لذا حداقل اثر او بر من دانشجوی دهه هفتاد ایرانی، امکان باز کردن دریچه‌های سؤال و مناقشه از مبادی و مبانی نظریه‌های اقتصاد بود. این‌گونه بود که خوانش و تورق معدود کتاب‌های موجود در ایران با محتوای فلسفه و روش‌شناسی اقتصاد، شرط لازم فهم صحیح دانش اقتصاد شد. اولین کتاب منتشر شده از بولاند، به ده سال قبل بازمی‌گشت. پس خیلی تأخیر نداشتم و عقب نمانده بودم. هرچند اینترنت و دسترسی به فایل کتاب‌ها مانند امروز نبود؛ اما نعمت داشتن استادی به‌روز و خواهان، و کتابخانه‌ای استادمحور و همراه در دانشگاه امام صادق^(ع)، موانع را از پیش پای ما برمی‌داشت. خواندن کتاب‌های بنیان‌های روش اقتصادی^۲ و روش‌شناسی مدل‌سازی اقتصادی^۳ آن‌هم چه روش دکتر نوری، که فقط دانشجویانش می‌دانند! هرکدام باعث شد بیشتر و بهتر وارد دنیای نظریات علم اقتصاد شوم. بعدها که قیل و قال دکتر سروش در محافل دانشگاهی برخاسته بود و رویکرد نئوپوزیتیویستی - نگاتیویستی کارل پوپر با ارجاع یا بی‌ارجاع عیناً ترجمه و اشاعه می‌شد، باز ارتباط علایق علمی خود با آن مباحث را در ویرایش ارتقا یافته کتاب بنیان‌های روش اقتصادی؛ یک منظرگاه پوپری^۴ یافتیم. لذا نام بولاند و کتاب‌هایش، خاطرات من و امثال من از سفر ماجراجوی علمی ما با نظریات انتزاعی اقتصاد نئوکلاسیک و کلاس‌های انتزاعی‌تر ویرایش ایرانی آموزش آن‌ها بود، گویی او هم با نامگذاری کتابش به ادیسه شخصی در روش‌شناسی انتقادی اقتصاد^۵ با ما هم‌نوا و هم‌دل بود!

آمدن اینترنت باعث شد زودتر به مقالات و نوشته‌های دیگر بولاند دست یابم. دنیایی دیگر نیز آنجا یافتیم و تمایلم به مذاقه‌های فلسفی و روش‌شناختی را جاهایی یافتیم که باور نمی‌رفت؛ مثلاً حسابداری^۶ که در ایران مساوی بود با جمع زدن یکسری ارقام، و او متصف می‌کرد به صفت پوزیتیویسم!^۷ آزاداندیشی او در معرفی عریان و انتقادی از انواع

1. We are economists, No reality please!

2. *The Foundations of Economic Method* (1982), London: Geo. Allen & Unwin

3. *The Methodology of Economic Model Building: Methodology after Samuelson* (1989/91), London: Routledge

4. *The Foundations of Economic Method: A Popperian Perspective* (2003), London: Routledge

5. *Critical Economic Methodology: A Personal Odyssey* (1997), London: Routledge

6. *Criticizing positive accounting theory*, *Contemporary Accounting Research*, (1992) John Wiley &

پوزیتیویسم در دانشکده‌های اقتصاد دنیا، در مقاله «دیدگاه‌های جاری در پوزیتیویسم اقتصادی»^۱ مثال زدنی و عالی بود و اوج درک عمیق و صحیح او از روش‌شناسی اقتصاد را در مرزهای دانش آن - تروریسم اقتصادی - به رخ می‌کشید. گونه‌شناسی چهارگانه او از پوزیتیویست‌های اقتصادی دانشکده‌های هاروارد، شیکاگو، ال‌اس‌ای، و ام‌آی‌تی، به دانشجوی ایرانی نشان می‌داد که چرا یک استاد ایرانی دانسته یا ندانسته به آمار تأکید دارد، آن یکی به اقتصادسنجی، دیگری به اقتصاد ریاضی و برخی به هیچ و درعین حال به هر روش‌شناسی‌ای که صرفاً قدرت و کارایی علی‌الاطلاق بازار را اثبات کند! گویی علمی بودن مساوی شده بود با اثبات ایدئولوژی بازار! همو در این مقاله به من دانشجوی اقتصاد علاقه‌مند به خواندن کتب فلسفه علم یاد داد که محتوای کتب فلسفه علم را به صرافت به دنیای اقتصاد نیاورم و برای ساخت اندیشه‌ورزان اقتصادی در حوزه روش‌شناسی و فلسفه علم، فضایی متمایز و متفاوت باز کنم و علاوه بر آنچه کینز گفته است، مبنی بر این که اقتصاددانان سر در آشخور فلاسفه دارند، خود اقتصاددانان اندیشمند را هم جزء این فلاسفه نوآور بدانم و وجه تسمیه کتاب رابرت هایلبرونر با نام فلاسفه دنیوی^۲ را بهتر درک کنم. به عبارت دیگر، در فهم روش‌شناسی پوزیتیویستی علم اقتصاد، باید از کتاب‌های انتزاعی فلسفه علم فراتر رفته، گونه‌شناسی متفاوت و خاص پوزیتیویسم در خود سنت اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی اقتصاد را متمایز از سایر علوم طبیعی و اجتماعی در نظر گرفت. این‌ها بخش‌هایی از خاطرات شیرین و مستدام دانشجویی و طلبگی بنده در دانش اقتصاد بود که با لاورنس بولاند، گره خورده است. لذا وقتی شنیدم که دوست عزیز، اندیشمند و خوش‌فکر، آقای دکتر علی‌اصغر قائمی‌نیا به ترجمه کتاب روش‌شناسی اقتصاد خرد جدید دست زده است، همه این خاطرات زنده و کامم شیرین شد.

بولاند در این کتاب، به خوبی تمایز بین جریان ارتدوکس و هتردوکس اقتصاد را در مسئله تعادل و عدم تعادل می‌بیند و به بررسی روش‌شناختی و انتقادی مدل‌های تحلیل تعادل می‌پردازد. تعادل مفهومی بود که از فیزیک قرن نوزدهم و با پیشوازی کسانی چون کانتیون - استاد نیوتونی آدام اسمیت - پایش به اقتصاد باز شد و متأسفانه همان‌جا درجا زد و دو خطا بر جای نهاد: اول اینکه سایر انواع تعادل، به دانش اقتصاد راه نیافت؛ دوم، علم

Sons, vol. 9(1), pages 142-170

1. Current Views on Economic Positivism, August 2001

۲. The worldly philosophers. این کتاب در ایران با نام بزرگان علم اقتصاد توسط احمد شهباس ترجمه شده است.

اقتصاد را برای مدت‌ها از هستی‌شناسی عدم تعادلی دور ساخت. اندیشه تعادل، برخلاف قانون دوم ترمودینامیک نیوتن که بر آنتروپی استوار بود، دنیای اقتصاد را سینتروپیک نشان داد تا مبادا از سنت فکری اجداد کلاسیک‌ها، یعنی فیزیوکرات‌هایی چون دکتر کنه و مرسیه دولاریویه، و مبادی کلامی و هستی‌شناختی آن‌ها در الحاق دنیای اقتصاد به نظام احسن آفرینش که به دور از خطا، و رو به نظم و عدالت است، خارج شود. راز تلازم مفهوم تعادل با مفهوم بهیمنی را هم در همین نکته باید دانست. دانشجوی اقتصاد نباید فراموش کند که شاید تعادل و مدل‌ها و ریاضیات آن، به ظاهر سکولار و غیرفلسفی بنماید، اما کاملاً در راستای ادای دین فیزیوکرات‌ها به کلام مسیحیت و خداشناسی آن‌ها در مفهوم ربوبیت تکوینی بود که این مفهوم با ریاضیات فریبنده آن به علم اقتصاد راه یافت.

در سده اخیر منتقدان و دگران‌دیشان علم اقتصاد راه برون‌رفت از مشکلات نظری و روش‌شناختی علم اقتصاد را گاه در زدودن پیش‌فرض ایستایی از مفهوم تعادل و نقطه‌ای دیدن آن جست‌وجو و گاه در جابه‌جایی بنیادین از فرض تعادل به عدم تعادل دیده‌اند. گروه اول به این امید بودند که با غلیظ کردن ریاضیات می‌توان مشکلات اصلی نظریه‌ها را مرتفع کرد؛ کافی است تحلیل‌های ایستار را با تحلیل‌های پویا جایگزین کنیم، و به جای نقطه تعادل از مسیر و تراجکتوری تعادل صحبت کنیم. اما گروه دوم به سوی بنیانی جدید رفت و سعی کرد تا بنیان هستی‌شناختی نظریات را از سینتروپیی به آنتروپیی و عدم تعادل تغییر دهد. گویا دیگر تعادل، قاعده نیست؛ بلکه استثنایی است که جز در شرایط غیرواقعی حاصل نمی‌شود. اما به نظر می‌رسد اندیشه اقتصادی وقتی به ساحل آرامش برسد که اندیشه‌ورزان بتوانند تعادل و عدم تعادل را توأمان در واقعیت‌های اقتصادی و پویایی‌های آن‌ها درک کنند و بیابند. این مسیر آینده علم اقتصاد است. اما مشکل در سنت آموزشی اقتصاد در ایران فراتر از این هاست. دانشجوی امروزی، صرفاً از مفهوم تعادل، تعادل عمومی و الراسی را می‌فهمد و تعادل جزئی مارشالی^۱ را نمی‌شناسد؛ به‌ویژه، وقتی گفته شود اولی مربوط به دنیای خرد و دومی با اینکه صفت جزئی دارد اما مربوط به دنیای کلان است؛ تعادل در دنیای خرد را به همان معنا، وارد دنیای کلان می‌کند و همه تعادل‌های مطروحه در ادبیات اقتصاد کلان، همچون تعادل پولی را همانند تعادل در بازار پنبه، تلاقی ساده عرضه‌ها و تقاضاها می‌انگارد و